

سلام به مادرم

سلام به مهربان ترین مهربانان، سلام به عاشق ترین پدیده هستی، سلام به سمبول شکیبایی، سلام به بحر عشق و عاطفه، سلام به مقدس ترین نوع انسان، سلام به سایبان سر نسل آدمی، سلام به باران محبت، سلام به چشمه ساران زلال صداقت، سلام به یگانه روزنه امید زنده گی؛ دریک کلام، سلام به تندیس همه خوبی ها، سلام به مادرم!

مبارک ترین و خجسته ترین روز "روز مادر" را به تمام مادران جهان، افغانستان، شغنان و به ویژه مادر مهربان خودم قلبا شادباش می گویم. امروز احساس عجیبی بر من مستولی شد و وادارم ساخت تا قلم و پارچه کاغذی بردارم و چیزک هایی بنویسم. اصلا نمی دانستم داشتم چه می نوشتم! پس از این که دوباره به خود آمدم، دیدم جملات جسته و گریخته یی انشا نموده ام؛ کمی قلمک زدم تا این که این جملات کمی سمت و سو یافتند و کمی هم آهنگین شدند. به هیچ روی بر آن نیستم تا این همه را شعر بنامم؛ زیرا شعر واژه یی است بس مقدس و شاعری هم کاریست سخت نا سهل. آنچه که در زیر انشا گردیده چیزی نیست جز چکیده یی از احساسات پاکم نسبت به مادر هر دم منتظرم. چون من آن را به پاس فداکاری های بی شایبه مادرم برچسب زده ام؛ با همه نارسایی ها و عیوبی که دارد، هرچه که هست و هرنامی را که دوستان خواننده برآن می گزارند، هدیه ناچیزی است که در این روز مقدس به پای مادر خودم، و همه مادران می ریزم!

حدود نه سال چیزی کم و بیش است که من همواره دراین روز مقدس از مادر عزیزم دور بوده ام و نتوانسته ام کوچکترین تحفه یی نثارش کنم. پیش از آن هم که چیزی دراین باره نمی دانستم! امسال هم همانند سال های دیگر نمی توانم دراین فرخنده روز دستان مبارک مادرم را ببوسم؛ فقط می توانم در فاصله هزاران کیلومتر روزش را گرامی بدارم و بس. مادرم، روزت را با تمام وجودم بزرگ می دارم، با تمام نیرو می ستایم و بدان که دوستت دارم! به این امید که ناسپاسان و قلدران وحشی بی روح و منجمد که در کشور بدبخت مان همیشه قلبت را مجروح کرده اند و حقوقت را پایمال، روزی به خود آیند و به ناانصافی شان خاتمه دهند!

روز سبز

امروز روز قدس و معلای مادر است
امروز روز شامخ و والا و اطهر است
امروز روز روز تر از روز های سال
امروز روز احسن و تحسین داور است
امروز روز سبز و فرح بخش و غمگداز
آگنده از لطافت مشک و زعنبر است
امروز زبان به یاد کسی بسملی شده
کاو در طریق بنده گی از هر کی بر تر است
شیوا ترین قصیده دیوان زنده گی
مدحش ز هرچه دانم و دانی گران تر است
او سایه سار نسل بشر در بساط عمر
او پیشوا ز بعد خدا و پیامبر است

آیینۀ صداقت و پاکی شعار اوست
راه و مسیر و کیشش همه زین منور است
الگوی راستین وفا و نوای عشق
کشتزار جود، ملک وجودش سراسر است
جانانه سر نثار قدومش همی کنم
کاو رهکشا و رهرو ورهیین و رهبر است
دنیا نیرزد آن که شود مادرم ملول
بدتر ازین به روح روانم نه نشتر است
صد آرزو که خدمت مادرشود قرین
فرخ نیوش و دان که همین حج اکبر است

از بزرگوارانی که لطف می کنند این جملات را می خوانند، صمیمانه می خواهم که با نقد های
سالم شان یاری همه جانبه ام برسانند. سپاس!

سید فرخ هادی
14 جون 2011 میلادی
برابر با
24 جوزا 1390 هجری خورشیدی
دهلی نو، هند